

کاترین پاندر

بیٹا حکمی

قوانین شفا



فهرست

- مقدمه: شما نیروی شفابخشی در درون خود دارید! ۹
- فصل اول: حقیقتی تکان دهنده دربارهٔ درمان ۱۷
- فصل دوم: قانون شفابخش «نه» ۳۵
- فصل سوم: قانون شفابخش «غافلگیری» ۵۵
- فصل چهارم: قانون شفابخش «رها سازی» ۷۵
- فصل پنجم: قانون شفابخش «آری» ۹۳
- فصل ششم: قانون شفابخش «تحسین» ۱۱۳
- فصل هفتم: قانون شفابخش «عشق» ۱۳۱
- فصل هشتم: قانون معجزه گر «شفا» ۱۴۹
- فصل نهم: قانون مکتوم درمان ۱۶۵
- فصل دهم: قانون شفابخش «تخیل» ۱۷۹
- فصل یازدهم: قانون مرموز شفابخشی ۱۹۷
- فصل دوازدهم: چرخش شیمیایی، یک فرایند درمانی ۲۱۵
- فصل سیزدهم: دَهِش می تواند شما را درمان کند ۲۳۱
- گفتار پایانی نویسنده با شما ۲۵۱

مقدمه

شما نیروی شفابخشی در درون خود دارید!

یکی از بزرگ‌ترین رازهایی که می‌توانید از آن آگاه شوید این است که شما توان درمانگری دارید!

شاید شما به «موهبت شفابخشی» به‌عنوان نیروی ویژه‌ای که تنها به عده‌ای خاص - افرادی که از لحاظ روحانی در مراتب بالایی قرار دارند یا کسانی که در طب مدارج بالایی را طی کرده‌اند یا روانپزشکان یا کایروپراکتیک‌ها^۱ - تعلق دارد بنگرید. شاید شما به چیزی رمزآلود و حتی عرفانی درباره شفا معتقد باشید. سالیان سال است که واژه «درمان» با خرافه یا اعمال عجیب و غریب پیوند خورده است.

اخیراً مطالب بسیاری درباره شفای روحانی در نتیجه احیای اعمال مختلف مذهبی همچون عبادت، سجده کردن بر روی دست‌ها، مراسم خاص عبادی و خدمات درمانگری شنیده‌ایم. همین‌طور چیزهای زیادی در خصوص معجزه داروها و تمامی پیشرفت‌های علمی عالی که بهبود بیماری‌ها را تحت‌تاثیر

۱. Chiropractic: زیرشاخه‌ای از درمان‌های مکمل و نوعی درمان مشکلات سیستم اسکلتی

قرار داده‌اند و هم‌چنین گام‌های بزرگی که در زمینه سلامت ذهن و روان برداشته شده شنیده‌ایم.

در مورد تمامی مراحل این هنرهای درمان بگذارید بگوییم، «خدا شما را برکت دهد و در پناه خود حفظ کند» چرا که تمام درمان‌ها از ایمان نشات می‌گیرد. تمام درمان‌ها الهی هستند. اخیراً وقتی بیماری جرات کرد و به دکترش گفت که باور دارد که تنها درمانی که برایش موثر بوده درمان روحانی بوده است، دکتر با لبخند از او پرسیده بود که، «دیگه به چه جور درمانی باور داری؟»

راز شفابخش گذشتگان

با وجود روشنفکری در عصر جدید، بسیاری از مردم هنوز فکر می‌کنند که سلامت ایشان به بعضی از منابع بیرونی وابسته است - به متخصص روحانی، روانپزشک و یا پزشک یا کایروپراکتیک. آن‌ها به این باور دارند حتی اگر همین متخصصین همواره به آن‌ها بگویند که تمامی درمانها برای این هدف هستند که سلامتی را در درون آن‌ها فعال سازند.

بسیاری از افراد هنوز راز شفابخش گذشتگان را نیاموخته‌اند - این که سلامتی اساساً یک کار درونی است؛ همانقدر که جسمی است ذهنی هم هست. فرقی نمی‌کند یک روش درمانی در زمان بیماری چقدر موفق باشد، یک فرد اغلب دوباره و دوباره بیمار می‌شود، چرا که هنوز پی به علت بیماری خود نبرده است - افکار و احساسات بیمارگونه درباره خود، دیگران، خالق و جهانی که در آن زندگی می‌کند. این افکار بیمارگونه نیروی حیات را در درون او منقبض می‌سازند و باعث ناراحتی یا عدم راحتی و آرامش در او می‌گردند. جالب است بدانیم که واژه «بیمار»^۱ به معنی «بد، نادرست، ناسازگار و ناصحیح» است. در معنای واقعی کلمه نیز افکار و احساسات بد، نادرست، ناسازگار و ناصحیح شما که درست در درونتان قرار دارند، چنین بازی

ویرانگری را با بدن شما می‌کنند. بقراط، پزشک یونانی که به‌عنوان پدر علم پزشکی شناخته می‌شود، در حدود سال ۴۰۰ قبل از میلاد این گونه نوشت که: «انسان‌ها باید بدانند که خوشی‌ها، خنده‌ها و شوخ طبعی‌های ما و همین‌طور غم‌ها، دردها، رنجش‌ها و ترس‌های ما همگی از مغز و تنها از مغز است که سرچشمه می‌گیرند». یکی از اسرارآمیزترین آموزه‌های مصریان باستان آن بود که بدن درد کشیده نتیجه افکاری رنجور است. این هنوز هم برای بسیاری از مردمان امروز همچون یک راز به‌نظر می‌رسد.

این قوانین چگونه به وجود آمدند

من در این کتاب مایلیم برخی از قوانین شفابخشی که با علت افکار و احساسات بیمارگونه ما سر و کار دارند را با شما در میان بگذارم. این قوانین بیش از آن که تنها علت بیماری را تجزیه و تحلیل کنند به شما نشان می‌دهند که چطور افکار و احساسات درست را در اعماق وجود خویش «بیدار نمایید» و بدان وسیله کل الگوی تفکر و در نتیجه وضعیت سلامت خود را دگرگون سازید.

این قوانین شفابخش طی اعصار و قرون به نوعی توسط افراد مختلف شناخته شده و مورد تجربه و آزمایش قرار گرفته است. اغلب آن‌ها آموزه‌هایی سری بودند، گرچه در سال‌های اخیر توسط هنرهای شفابخشی گوناگون تا حد زیادی آشکار گردیده و مورد استفاده قرار گرفته‌اند. با این حال، در موارد بسیاری تنها به‌عنوان روش‌های سعی و خطا آموخته و به کار گرفته شده‌اند.

چند دهه پیش، وقتی من به تشکیلات مذهبی پیوستم، به سرعت و مثل یک کاهن - درمانگر باستانی این را کشف کردم که از من انتظار می‌رود از قوانین شفابخشی آگاه باشم و برای کمک به کسانی که به آن‌ها خدمت می‌کردم آن‌ها را به کار بگیرم.

به خاطر حس جستجوی ناشی از شک و عدم اطمینان نسبت به قوانین دقیق شفابخشی بود که شروع کردم به دعا کردن: «خدای بزرگ، تو مرا به این

تشکیلات مذهبی فراخواندی. اگر می‌خواهی این کار را دنبال کنم، لطفاً قوانین شفابخش را به من بیاموز. آن‌ها را به شیوه‌ای ساده بر من آشکار کن تا بتوانم با تمامی انسان‌ها در میان‌شان بگذارم». این کتاب پاسخ دعاهای من و نتیجه بیش‌تر آن چیزهایی است که در این مدت آشکار، مشاهده و آموخته شده‌اند؛ ضمناً شما را به خواندن کتاب‌های مرتبط با این موضوع یعنی «راز کامیابی گذشتگان» و «رازهای شفابخش گذشتگان» دعوت می‌کنم که آن‌ها نیز پر از اسرار درمان هستند.

من دریافته‌ام که شفا در زندگی مردم به شیوه‌های بسیار ساده‌ای که به‌نظر معجزه آسا می‌رسند مرتباً روی می‌دهد؛ و همین‌طور این که همه انسان‌ها دارای قدرت شفابخشی هستند اگر فقط خودشان از این امر آگاه گردند! کسانی که چنین اتفاقاتی برایشان روی می‌دهد ممکن است در مورد صحبت کردن از تجربیات درمانیشان با دیگران تردید داشته باشند چرا که عامه مردم هنوز تمایل دارند فکر کنند که این نوع درمان احتمالاً تجربه عجیب و غریبی است که تنها برای مردمان عجیب و غریب اتفاق می‌افتد.

این کتاب با حکایت‌های درمان مردمانی از نژادها، مذاهب، ملیت‌ها و باورهای گوناگون پر شده که همگی در مسیر زندگی، بی‌سروصدا تجربیات درمانی خویش و این که احساس می‌کنند چطور این درمان‌ها برایشان اتفاق افتاده است را با من در میان گذاشتند. گاهی این درمان‌ها با کمک روحانی، پزشکی، کایروپراکتیکی و یا روانپزشکی همراه بوده و گاهی هم نه. صرف‌نظر از این موضوع، آن‌ها دریافته بودند که قدرت شفابخشی دارند و این که فعال کردن این قدرت ساده‌تر از آن چیزی است که بیش‌تر آدم‌ها فکر می‌کنند.

وقتی به صحبت آن‌ها گوش می‌دادم بیش‌تر و بیش‌تر درمی‌یافتم که به‌نظر می‌رسد این درمان‌ها از طریق بکارگیری قوانین ذهنی و معنوی خاصی به وقوع پیوسته باشند. شما در اینجا با این قوانین شفابخشی که به ترتیبی منظم توصیف گردیده‌اند آشنا خواهید شد. این قوانین می‌توانند توسط هر کسی و در کنار

کمک‌های دیگری که ممکن است دریافت گردند مورد استفاده قرار گیرند.

نخستین گام به سمت شفا

به عنوان اولین گام به سمت شفا اجازه بدهید عنوان این کتاب را تجزیه و تحلیل کنیم: قوانین پویای شفابخشی.

کلمه «پویا»^۱ با کلمه «دینامیت»^۲ هم ریشه است. این یعنی پویایی قدرتمند، پرتوان و پرانرژی است و ما را به سمت تغییر هدایت می‌کند. کارگذار من که نخستین کتابم یعنی «قوانین پویای موفقیت» را نیز نامگذاری کرده است یک بار گفت که واژه پویا به معنی از شور و سرمستی سوختن و گداختن است.

«قانون» قاعده‌ای است که عملی می‌شود. سر ویلیام بلک استون، نویسنده معروف قوانین، بیش از دویست سال پیش به این نکته اشاره کرده بود که قانون، یک حکم یا قاعده تعیین شده برای کنش یا عمل است. واژه «قانون» معمولاً به تمایل به نظم و قاعده‌مندی اشاره دارد. این همان چیزی است که افراد ناسالم به آن نیاز دارند - قاعده‌مندی در تفکرشان، عواطفشان، بدنشان و زندگیشان.

ما در این نکته با دانشمند برجسته سر اسحاق نیوتون، یکی از نخستین کاوشگران قوانین طبیعت، هم عقیده هستیم که یک سری قوانین طبیعی بر این دنیای مادی حکمفرمایی می‌کنند. ولی اجازه بدهید پیش‌تر برویم: قوانین ذهنی و روحانی متعالی تری نسبت به آنچه معمولاً در حیات مادی مورد استفاده قرار می‌گیرد نیز وجود دارد. برخی این قوانین را می‌شناختند و مورد استفاده قرار می‌دادند. این قوانین متعالی تر ذهنی و روحانی چنان قدرتمند هستند که می‌توانند قوانین طبیعی را چند برابر قوی‌تر، خنثی و یا حتی معکوس سازند! در این زمان است که این قوانین برتر ذهنی و روحانی در روان بشر بیدار می‌گردند و نتایجی به بار می‌آورند که در جهان مادی معجزه آسا به‌نظر

1. Dynamic

2. Dynamite